



University of Tehran
Faculty of Theology and Islamic Studies

Iranian Journal for the History of Islamic Civilization

Print ISSN: 2228 - 7906

Online ISSN: 2645 - 5110

Shahzad: The Iranian Princess in Zanzibar

Amirbahram Arabahmadi¹ 

1. Associate Professor, Department of West Asian and African Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran (arabahmadi@ut.ac.ir)

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 14 December 2024
Received in revised form:
17 March 2025
Accepted: 15 July 2025
Published online:
16 November 2025

Keywords:
Shahzad,
Qajar,
Zanzibar,
Sultan Sa'id,
Kidinji

This article relies on available information and field studies to primarily examine the life and character of an Iranian lady who was married for several years to Sultan Sa'id bin Sultan, one of the powerful rulers of the Bou Sa'idi dynasty governing Oman and Zanzibar. In addition, the author has attempted to provide a well-reasoned answer to the raised question: "Can this Iranian princess be considered influential in the dissemination of Iranian culture on this historical island?" The research method is library-based, relying on a descriptive and analytical logic. The author has tried to present first-hand information on this subject despite a severe lack of sources. Regarding the background of this discussion, it is worth noting that no independent research has been conducted on this Iranian princess so far. Therefore, the researcher has attempted to draw a comprehensive picture of this historical figure from the Qajar period. Although the author does not claim innovation for this article, investigating a subject that has been completely neglected in domestic academic circles can be considered the innovative paradigm of this article.

Cite this article: Arabahmadi, A. (2025). Shahzad: The Iranian Princess in Zanzibar. *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 58(1), 140-159. DOI: 10.22059/jhic.2025.386910.654544



© The Author(s).
DOI: 10.22059/jhic.2025.386910.654544

Publisher: University of Tehran Press.

شهرزاد؛ شاهزاده خانم ایرانی در زنگبار

امیر بهرام عرب احمدی[✉]

۱. دانشیار، گروه مطالعات غرب آسیا و آفریقا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: arabahmadi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ کلید واژه‌ها: شهرزاد، قاجاریه، زنگبار، سلطان سعید، کیدیچی.	در این مقاله با تکیه بر اطلاعات موجود و مطالعات میدانی؛ سعی شده است زندگی و شخصیت یکی از بانوان ایرانی که چندسالی در عقد ازدواج سلطان سعید بن سلطان از پادشاهان مقتدر سلسله بوسعیدی حاکم بر عمان و زنگبار بود در قالب موضوع اصلی بررسی شود. علاوه بر آن، نویسنده تلاش کرده است پرسش مطرح‌شده مبتنی بر آن که «آیا می‌توان این شاهزاده خانم ایرانی را در گسترش فرهنگ ایرانی در این جزیره تاریخی تأثیرگذار دانست؟» را به‌طور مستدل پاسخ دهد. روش تحقیق این مقاله کتابخانه‌ای، مبتنی بر منطق توصیف و تحلیل است و نویسنده تلاش کرده با وجود کمبود شدید منابع، اطلاعات دست‌اولی در خصوص این موضوع ارائه نماید. در ارتباط با پیشینه این بحث قابل‌ذکر است تاکنون هیچ تحقیق مستقلی در مورد این شاهزاده خانم ایرانی صورت نگرفته؛ از این‌روی پژوهشگر تلاش نموده تصویری جامع از این شخصیت تاریخی دوره قاجاریه را ترسیم کند. هرچند نویسنده ادعایی در مورد نوآوری این مقاله ندارد، می‌توان گفت بررسی موضوعی که در محافل علمی داخلی کاملاً مهجور مانده، پارادایم نوآور گونه این مقاله محسوب می‌شود.

استناد: عرب احمدی، امیر بهرام (۱۴۰۴). شهرزاد؛ شاهزاده خانم ایرانی در زنگبار. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۸ (۱)، ۱۴۰-۱۵۹.
DOI: 10.22059/jhic.2025.386910.654544



© نویسنده گان.

DOI: 10.22059/jhic.2025.386910.654544

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

«جمهوری خودمختار زنگبار» با مساحت ۲۴۶۰ کیلومتر مربع، در شرق آفریقا، بخشی از جمهوری متحده تانزانیا محسوب می‌شود. جزایر اصلی مجمع‌الجزایر زنگبار را جزیره‌های «اونگوجا»، «پمبا» و «تومباتو» تشکیل می‌دهند و جدای از این سه جزیره، زنگبار دربرگیرنده ده‌ها جزیره کوچک دیگر است که بر روی هم مجمع‌الجزایر زنگبار را تشکیل می‌دهند. جمعیت فعلی مجمع‌الجزایر زنگبار بر اساس سرشماری سال ۲۰۲۲، یک میلیون و هشتصد و نود هزار نفر است که در شهرها و روستاهای این منطقه زندگی می‌کنند (<http://www.citypopulation.de>, 2023).

از نقطه نظر تاریخی مجمع‌الجزایر کوچک زنگبار، خصوصاً دو جزیره اصلی اونگوجا و پمبا، واجد اهمیت زیادی بوده و از گذشته‌های دور در زمره مناطق راهبردی قاره آفریقا به شمار می‌رفته‌اند. درواقع زنگبار به دلیل موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های ژئواستراتژیک آن از قدیم‌الایام مورد توجه کشورهای متمدن قرار داشته و حداقل از ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح پذیرای دریانوردانی از کشورهای مختلف بوده که عمدتاً با هدف تحقق اهداف تجاری خود به این مجمع‌الجزایر سفر می‌کردند. صرف‌نظر از فرازونشیب‌های تاریخی زنگبار که پیشینه آن را به چند هزار سال قبل می‌رساند (Ingrams, 1967: 42-43)، این مجمع‌الجزایر تاریخی در قرون دهم تا پانزدهم میلادی بخشی از پادشاهی شیرازی‌ها بود و پس از آن به مدت دو قرن به قسمتی از مستعمرات پرتغال در شرق و جنوب شرق آفریقا تبدیل شد. پس از شکست پرتغالی‌ها توسط پادشاهی عمان در سال ۱۶۹۸ میلادی، دوره جدیدی از استعمار این سرزمین و این بار با حاکمیت اعراب عمانی آغاز گردید که تا اواخر قرن نوزده به طول انجامید. مجمع‌الجزایر زنگبار از سال ۱۸۹۰ تا سال ۱۹۶۳ میلادی تحت‌الحمایه انگلستان قرار گرفت و پس از استقلالی بسیار کوتاه‌مدت که کمتر از یک سال به طول انجامید، در سال ۱۹۶۴ میلادی با جمهوری تانگانیکا متحد شده و با حفظ موجودیت داخلی خود در قالب «جمهوری خودمختار زنگبار» به بخشی از کشور «جمهوری متحده تانزانیا» تبدیل شد.

کشور ایران از دیرباز دارای ارتباطات گسترده‌ای با جزیره زنگبار بوده است که تاریخ این مناسبات به دوره ساسانیان بازگشته و عمدتاً نشأت گرفته از رقابت شاهان این سلسله با رومیان بر سر کنترل آبراه‌های مهم و نظارت بر تجارت غرب و شرق می‌باشد.^۱ این روابط در دوره پس از اسلام وارد عرصه نوینی شد و مهاجرت گروهی از ایرانیان از ایالت فارس به سواحل و جزایر شرق آفریقا منجمله زنگبار در اواخر قرن چهارم هجری قمری و تأسیس پادشاهی موسوم به شیرازی‌ها در این منطقه به مدت پنج قرن افق‌های نوینی را در ارتباطات ایران و این جزیره خصوصاً در عرصه‌های فرهنگی و تمدنی گشود که اثرات آن هنوز

۱. نام زنگبار که از دو کلمه فارسی «زنگ» و «بار» به معنای «ساحل سیاهان» گرفته شده نیز به‌خوبی عمق نفوذ فرهنگ و تمدن ایران را در این مجمع‌الجزایر به تصویر می‌کشد.

نمایان است. صرف نظر از موضوع مهاجرت شیرازی‌ها به شرق آفریقا و اثرات ماندگار برجای مانده از آن‌ها در سرتاسر نوار ساحلی این منطقه از جنوب سومالی تا شمال موزامبیک و کومور که خود موضوع مقاله مفصلی است؛ ایرانیان در دیگر ادوار تاریخی خصوصاً در عهد قاجاریه نیز حضور کم‌رنگی در زنگبار داشته‌اند. جدای از شهرزاد، نوه فتحعلی شاه قاجار، که در این مقاله به وی پرداخته خواهد شد چند شخصیت ایرانی دیگر نیز در این جزیره منشأ اثرات خیری شده‌اند، به گونه‌ای که نام و یاد آن‌ها در زنگبار هنوز ماندگار است.^۱

در این مقاله که از نظر پرداختن به موضوعی ناشناخته و مبهم در تاریخ ایران کاملاً بکر و دست اول به شمار می‌رود، علی‌رغم فقر شدید منابع تلاش شده است تصویری کلی از شاهزاده خانمی ایرانی به نام شهرزاد ترسیم گردد که در دوره قاجاریه چندسالی را در این جزیره تاریخی سپری نموده است. علاوه بر آن، نویسنده تلاش کرده است پرسش مطرح‌شده مبتنی بر آن را که «آیا می‌توان این شاهزاده خانم ایرانی را در گسترش فرهنگ ایرانی در این جزیره تاریخی تأثیرگذار دانست؟» تا حد امکان به‌طور مستدل پاسخ دهد. روش تحقیق این مقاله کتابخانه‌ای و مبتنی بر منطق توصیف و تحلیل است و با وجود کمبود شدید منابع، نویسنده سعی وافری به خرج داده است تا اطلاعات دست‌اولی در خصوص سال‌های اقامت این شاهزاده خانم ایرانی در جزیره زنگبار ارائه نماید. در ارتباط با پیشینه این بحث گفتنی است که در نشریات داخلی و مجلات بین‌المللی تاکنون هیچ تحقیق مستقلی در مورد «حضور شاهزاده خانمی ایرانی در جزیره زنگبار در سال‌های پایانی دهه ۱۸۴۰ میلادی» صورت نگرفته و مطالب قطره‌چکانی ارائه‌شده در چند کتاب و مقاله خارجی نیز دربرگیرنده اطلاعات درهم و برهم و گاه متناقضی است. از این‌روی پژوهشگر تلاش نموده بر اساس مستندات موجود و برخی تحقیقات میدانی، این موضوع را مورد کنشگری عمیق قرار دهد. واکاوی شخصیتی تاریخی در دوره قاجاریه که مدت بسیار کوتاهی حلقه وصل ایران و پادشاهی عمان و مسقط در دوره قاجاریه بوده و در محافل علمی داخلی و بین‌المللی نیز کاملاً مهجور مانده است پارادایم نوآورگونه این مقاله محسوب می‌شود.

همسر اول ایرانی سلطان سعید بن سلطان

پس از ورود عمانی‌ها به سواحل و جزایر شرق آفریقا در اواخر قرن هفدهم و بیرون راندن پرتغالی‌ها از این منطقه که منجر به شکست قطعی استعمار پرتغال در سال ۱۶۹۸ و آغاز هژمونی عمانی‌ها شد، اعراب عمانی به مدت بیش از یک‌ونیم قرن بر مجمع‌الجزایر زنگبار و بخش‌هایی از سواحل شرق آفریقا حکومت راندند.

۱. سردار کلبعلی خان و چند روحانی شیعه ایرانی، نظیر عبدالحسین شوشتری، ناشرالاسلام و مروج.

حاکمیت سلسله‌های یعربی و بوسعیدی بر مناطقی از سواحل و جزایر شرق آفریقا در سده هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم با چالش‌های سنگینی از سوی قبایل عرب مقیم سواحل کنیا و تانزانیای امروز مواجه بود. با این حال پس از آنکه سلطان سید سعید بن سلطان بن احمد، پادشاه جدید، توجه خود را معطوف به جزیره زنگبار ساخت و قبایل عرب ساکن شرق آفریقا را که چندان موافق با استقرار درازمدت عمانی‌ها در این منطقه نبودند سرکوب نمود، شرایط منطقه تا حدود زیادی تثبیت گردید. سلطان سعید در تداوم سیاست‌های خود مبنی بر کنترل جریان‌ات سیاسی و سلطه کامل بر منطقه شرق آفریقا در سال ۱۸۴۰م. پایتخت پادشاهی عمان را از مسقط به زنگبار انتقال و نام پادشاهی خود را نیز به سلطنت عمان و زنگبار تغییر داد. از این زمان تا آغاز ورود استعمار انگلستان در اوایل دهه ۱۸۸۰م. عمانی‌ها سلسله پادشاهی مقتدری با مرکزیت زنگبار در سواحل و جزایر شرق آفریقا تأسیس کردند که هرچند پس از استعمار زنگبار توسط انگلستان حالتی تشریفاتی به خود گرفت، ولی این حاکمیت تشریفاتی تا انقلاب زنگبار در سال ۱۹۶۴ میلادی تداوم یافت (Bhacker, 2002: 45).

بر اساس مستندات تاریخی سلطان سعید بن سلطان، در دهه‌های ۱۸۲۰ و ۱۸۴۰م. با دو شاهزاده ایرانی که هر دو نوه پسر فتحعلی شاه قاجار بوده‌اند ازدواج کرده است. ازدواج نخست وی با دختر حسین علی میرزا فرمانفرما^۱ از فرزندان فتحعلی شاه بوده است که پس از عقد و عروسی او را به مسقط، مرکز پادشاهی خود، انتقال می‌دهد. اطلاعات بسیار اندکی در مورد این شاهزاده خانم ایرانی در محدود منابع غربی موجود است و تنها دکتر «بئاتریس نیکولینی»^۲، استاد دانشگاه کاتولیک رم، و دکتر «مارک هورتون»^۳، استاد دانشگاه سلطنتی کشاورزی انگلستان، اشاراتی بسیار کوتاه به همسر نخست ایرانی سلطان سعید داشته‌اند. نیکولینی در کتاب *مکران، عمان و زنگبار، سه پایانه کریدور فرهنگی در اقیانوس هند غربی*، ۱۷۹۹-۱۸۵۶، در مورد ازدواج نخست سلطان سعید با بانویی از خانواده سلطنتی قاجار، صرفاً به این جمله بسنده کرده است که «سلطان سعید در سال ۱۸۲۷ میلادی با نوه فتحعلی شاه و با این شرط که شاهزاده خانم هر زمان خواست به ایران سفر نماید ازدواج می‌کند و در سال ۱۸۳۲ میلادی در پی مشاجره‌ای تند بین سلطان و همسر ایرانی‌اش، شاهزاده خانم به ایران بازگشته و صیغه طلاق بین آن‌ها جاری می‌گردد» (Nicolini, 2004: 99). دکتر مارک هورتون نیز در مدخل «روابط ایران با سرزمین‌های سواحل شرق آفریقا به‌ویژه سومالی، کنیا و تانزانیا در *دیره/معارف/ایرانیکا* یادآور شده است که سلطان سعید بن سلطان دو زن ایرانی

۱. حسین علی میرزا فرمانفرما، شاهزاده قاجار و یکی از پسران فتحعلی شاه قاجار، از سال ۱۷۹۹ تا ۱۸۳۰ والی استان فارس بود. وی پس از مرگ فتحعلی شاه و در جریان بر تخت نشستن محمد شاه قاجار شورش کرده و داعیه سلطنت نمود. وی پس از شکست، در نهایت به دستور محمد شاه قاجار کور شده و در سال ۱۸۳۵ میلادی، در زندان اردبیل، در اثر ابتلا به وبا درگذشت.

2. Beatrice Nicolini

3. Mark Horton

اختیار کرده است. زن اول «شاهزاده»^۱، دختر حسنعلی میرزا فرمانفرما، در سال ۱۸۳۲ میلادی به عقد سلطان درآمد و یک سال بعد سعید بن سلطان او را طلاق می‌دهد (Horton, 1994: 87). «پاتریشیا رومرو»^۲، استاد دانشگاه جانز هاپکینز آمریکا، به صورت کلی و بدون ذکر جزئیات، سلطان سعید را دارای دو زن از خانواده سلطنتی ایران دانسته است (Romero, 2012: 380) و «سر فرانسیس چارلز برتون»^۳، مستشرق و نویسنده انگلیسی، نیز بدون ورود به جزئیات به دو ازدواج سلطان سعید با بانوان ایرانی اشاره کرده است (Burton, 1872: 302). با این حال سالمه بنت سعید، دختر سلطان سعید، در کتاب زندگی نامه خود، *خاطرات یک شاهزاده عرب*، هیچ اشاره‌ای به همسر ایرانی نخست پدرش نکرده است.^۴

همان گونه که در سطور بالا مشخص شد، در منابع غیرفارسی تقریباً هیچ اطلاعاتی در مورد همسر ایرانی نخست سلطان سعید وجود ندارد، با این حال میرزا حسن فسائی نویسنده کتاب *فارس نامه ناصری* اطلاعات نسبتاً مفصلاً از این بانوی ایرانی ارائه نموده است. فسائی از این بانوی ایرانی با عنوان «شاهزاده خانم» یاد کرده و وی را دختر حسین علی میرزا فرمانفرما از فرزندان فتحعلی شاه (۱۷۸۹-۱۸۳۵ م.) دانسته است. فسائی اطلاعات نسبتاً قابل قبولی نیز در مورد نحوه ازدواج این شاهزاده خانم ایرانی با سلطان سعید ذکر کرده است، مبنی بر اینکه سید سعید، سلطان مسقط، از نواب حاجیه، زن حسین علی میرزا فرمانفرما، «شاهزاده خانم» را خواستگاری می‌نماید. پس از ماجراهائی که ناشی از رقابت زنان حسین علی میرزا فرمانفرما بوده و منجر به اسارت شیخ عبدالرسول خان دریابگی بوشهری توسط سید سعید می‌شود - که به تفصیل در کتاب خود شرح داده شده است - در نهایت سلطان سعید رضایت حسین علی میرزا فرمانفرما را جلب و وزیر خود را برای خواستگاری رسمی روانه شیراز می‌کند. البته فسائی به سال ازدواج «شاهزاده خانم» با سلطان سعید اشاره نکرده، ولی با توجه به سال‌های قبل و بعد، به نظر می‌رسد ازدواج شاهزاده خانم با سلطان در نخستین سال‌های دهه ۱۲۴۰ ق. (۱۸۲۴ یا ۱۸۲۵ م.) بوده است. پس از آن «شاهزاده خانم» در حباله نکاح سلطان سعید درآمد و به مسقط می‌رود.^۵ (فسائی، ۱۳۸۲: ۷۴۶). سدیدالسلطنه نیز در

۱. دکتر هورتون در توصیف نام همسر نخست سلطان سعید عبارت "Šāhzāda" را به کار برده است (Horton, 1994: 87).

2. Patricia Romero

3. Sir Francis Charles Burton

۴. با توجه به اینکه «سالمه» دختر سلطان سعید بوده و خاطرات خود را مدتی پس از مرگ سلطان به نگارش در آورده و از این نظر معتبرترین منبع به شمار می‌رود؛ تا حدودی عجیب به نظر می‌رسد که چرا به زن اول ایرانی پدرش حتی در حد اشاره‌ای کوتاه نپرداخته است. با این حال باید به این نکته نیز اعتراف کرد که سالمه در هنگام حضور شهرزاد در زنگبار تنها ۹ سال داشته است و همسر ایرانی نخست پدرش که قبل از تولد وی در زنگبار حضور داشته، خارج از محدوده خاطرات دختر سلطان سعید بوده است.

۵. البته فسائی در جایی دیگر نیز آورده است که شاهزاده خانم در سال ۱۲۳۵ ق. (۱۸۱۹ م.) به عقد ازدواج میرزا ابوالحسن خان از بزرگان فارس درآمد (فسائی، ۱۳۸۲: ۹۲۹) و از میرزا محمد مهدی به عنوان پسر «شاهزاده خانم» یاد کرده است که در سال ۱۲۳۸ ق. (۱۸۲۲ م.) به دنیا آمده است (فسائی، ۱۳۸۲: ۹۳۴) از این روی به نظر می‌رسد سلطان سعید همسر دوم بانوی ایرانی بوده است.

کتاب تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر و روابط آن‌ها با ایران به صورت بسیار مختصر به ازدواج سلطان سعید با دختر حسین علی میرزا فرمانفرما اشاره کرده است^۱ (سدید السلطنه، ۱۳۷۰: ۱۰۶). سلطان سعید پس از یک یا چند سال شاهزاده خانم ایرانی را طلاق می‌دهد و این شاهزاده خانم به ایران بازمی‌گردد.^۲

ازدواج با شهرزاد

مطابق با اندک اطلاعات موجود، سلطان سعید در اواخر دهه ۱۸۴۰ م.^۳ با شاهزاده خانم ایرانی دیگری به نام «شهرزاد» ازدواج می‌کند و به سبب آنکه در آن زمان زنگبار نیز بخشی از متصرفات پادشاهی عمان بوده (و پایتخت پادشاهی عمان نیز به این جزیره انتقال یافته بوده است)، شاهزاده خانم ایرانی را با شکوه و جلال خاص، توأم با مهریه قابل توجه به جزیره زنگبار انتقال می‌دهد.^۴ بر اساس مقایسه مستندات موجود که ذیلاً به آن‌ها اشاره شده است، شهرزاد، نوه فتحعلی شاه قاجار و فرزند شاهزاده ملک ایرج میرزا^۵ بوده است که چندسالی در این جزیره زندگی می‌کند و سپس همچون همسر نخست سلطان سعید از پادشاه وقت عمان طلاق گرفته و به ایران بازمی‌گردد.

هرچند از نظر اصالت خانوادگی و تعلق شهرزاد به خاندان سلطنتی قاجار جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای نیست و به طور قطع سلطان سعید نیز به این موضوع توجه خاصی داشته است، در معدود منابع غربی و محلی اطلاعات در هم آمیخته‌ای از اصالت خانوادگی و اینکه آیا شهرزاد از خانواده سلطنتی بوده است یا دختر یکی از بزرگانان عهد قاجار به شمار می‌رفته است به چشم می‌خورد. به عنوان مثال در دیارتمان اسناد

۱. این ازدواج پس از شکست وهابیان مهاجم به عمان (اعراب عتوبی) و تضمین تمامیت و استقلال عمان در مقابل فتنه وهابیان توسط فرمانده ایرانی، صادق خان دولو، به نمایندگی از شاهزاده حسین میرزا فرمانفرما صورت گرفت. (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۶)

۲. هرچند تنها منبع فارسی و منابع غربی تاریخ‌های متفاوتی از سال ورود اولین همسر ایرانی سلطان سعید به مسقط ذکر کرده‌اند، تاریخ اشاره شده در *فارس‌نامه* ناصری بیشتر مورد تأیید است.

۳. در ادامه سال ورود شهرزاد به زنگبار بررسی شده است.

۴. نیکولینی مهریه شهرزاد را گرانبها و ارزشمند دانسته و خاطرنشان ساخته که در عزیمت به زنگبار وی را ۱۵۰ نوکر مرد و چندین رأس اسب برای شکار همراهی کرده‌اند (Nicolini, 2004: 99).

۵. شاهزاده ملک ایرج میرزا (۱۲۲۲-۱۲۹۶ ق. / ۱۸۰۷-۱۸۷۸ م.)، پسر فتحعلی شاه، پزشک و شاعر بوده است که در عهد سلطنت ناصرالدین شاه سمت رئیس پزشکان دارالخلافه را عهده دار شد. وی پدر بزرگ ایرج میرزا، شاعر بزرگ قاجاریه، بوده است. اطلاعات چندانی از زندگی شاهزاده ایرج میرزا در دست نیست، با این حال نویسندگان مقاله «اسکن لیزری حمام‌های شهرزاد: ۱۰۰۱ قصه از شب‌های زنگبار» یادآور شده‌اند که ایرج میرزا، پسر فتحعلی شاه، دارای سه زن و حداقل ده فرزند بوده و نام یکی از دختران وی «شهرزاد خانم» بوده است که با سلطان سعید بن سلطان ازدواج کرده است (Basell et al, 2020: 6). منبعی که نویسندگان مقاله از آن استفاده کرده‌اند مشخص نیست.

موزه زنگبار، شهرزاد، شاهزاده خانمی ایرانی، وابسته به دربار قاجاریه، خوانده شده است که چندسالی در جزیره زنگبار زندگی کرده، ولی توضیح بیشتری در مورد اصل و نسب وی صورت نگرفته است (National Museum of Zanzibar, 2014). در کتاب راهنمای بناهای تاریخی زنگبار منتشر شده از سوی «سازمان گردشگری تانزانیا» نیز شهرزاد دختر حسین میرزا فرمانفرما، والی فارس، معرفی شده است که از شیراز به زنگبار انتقال یافته و با سلطان سعید بن سلطان ازدواج می‌کند و چندسالی در این جزیره به سر می‌برد (Tanzania Tourist Corporation, 2014: 96). دکتر مارک هورتون شاهزاده خانم ایرانی را (بدون ذکر نام) دختر ایرج میرزا، پسر محمد شاه قاجار، دانسته (Horton, 1994: 87)^۱ و دکتر بئاتریس نیکولینی، شهرزاد را نوه محمد شاه قاجار خوانده است^۲ (Nicolini, 2004: 99). راجر وبر^۳ نویسنده کتاب بازگشت به زنگبار نیز شهرزاد را یکی از نوادگان فتحعلی شاه قاجار معرفی کرده است (Webber, 2013: 262). سر ریچارد فرانسویس برتون هم بدون اشاره مستقیم به نام شهرزاد از وی به عنوان دختر ایرج میرزا از فرزندان محمد شاه قاجار نام برده است (Burton, 1872: 302). عبدالله صالح فارسی نیز در کتاب سید سعید بن سلطان حاکم مشترک عمان و زنگبار صرفاً به نام شهرزاد، نوه محمد شاه قاجار، اشاره کرده است (Farsy, 1986: 13).^۴ در تابلوی نصب شده بر دیوار ضلع غربی حمام کیدیچی که ظاهراً برگرفته از مطالب کتاب برتون است، شهرزاد دختر ایرج میرزا معرفی شده است (مطالعات میدانی نویسنده، زنگبار: ۲۰۲۲). با مقایسه این اظهارات که از منابع مختلف گرفته شده و تا حدودی متفاوت از یکدیگر به شمار می‌روند، می‌توان این گونه استنتاج نمود که شهرزاد فرزند شاهزاده ملک ایرج میرزا و نوه فتحعلی شاه قاجار بوده است. اطلاعات ارائه شده مبنی بر اینکه شهرزاد دختر حسین علی میرزا فرمانفرما، از فرزندان فتحعلی شاه،

۱. معلوم نیست هورتون اطلاعات ارائه شده را از چه منبعی به دست آورده است؛ با این حال، به طور قطع، منظور مارک هورتون شاهزاده ملک ایرج میرزا، پسر فتحعلی شاه، بوده است که به اشتباه پسر محمد شاه قاجار نوشته است، زیرا طبق مستندات تاریخی محمد شاه دارای چهار پسر بوده که نام هیچ‌یک از آن‌ها نیز ایرج میرزا نبوده است.

۲. دکتر نیکولینی نیز در مورد نسب خانوادگی شهرزاد دچار اشتباه شده است؛ زیرا محمد شاه در سال ۱۲۳۶ق. (۱۸۲۰م.) برای نخستین بار با مهدعلیا ازدواج کرد. سه فرزند نخست محمد شاه از مهدعلیا سلطان ملک میرزا، سلطان محمود میرزا و کشور خانم- در کودکی فوت کردند و ناصرالدین میرزا فرزند چهارم محمد شاه نیز در سال ۱۲۶۱ق. (۱۸۴۵م.) با گلین خانم ازدواج کرد و نخستین نوه محمد شاه موسوم به فخرالملوک در سال ۱۲۶۳ق. (۱۸۴۶م.) به دنیا آمد و در سال ۱۲۷۷ق. (۱۸۶۰م.) با مهدی خان اعتضادالدوله، پسر میرزا محمدخان سپهسالار، ازدواج کرد. در هیچ‌یک از کتب تاریخی دوره قاجاریه به ازدواج یکی از فرزندان سلاطین عمانی حاکم بر زنگبار اشاره‌ای نشده است و با توجه به اینکه سلطان سعید بن سلطان در سال ۱۸۵۶م. درگذشته است، عملاً اینکه نوه محمد شاه قاجار به سنی رسیده باشد که بتواند به همسری سلطان سعید درآمده باشد غیرممکن است.

3. Roger Webber

۴. برتون و فارسی نیز همچون نیکولینی در توصیف مشخصات خانوادگی شهرزاد اشتباه کرده‌اند؛ زیرا نه تنها محمد شاه پسری به نام ایرج میرزا نداشته است، بلکه همان‌طور که توضیح داده شد از لحاظ زمانی نیز امکان ندارد که شهرزادی که در سال‌های آخر دهه ۱۸۴۰م. در زنگبار زندگی کرده است فرزند یا نوه محمد شاه قاجار بوده باشد!

بوده است، حاکی از خلط مطالب مربوط به زنان اول و دوم سلطان سعید بوده و ظاهراً برگرفته از کتاب *فارس‌نامه* ناصری است که اطلاعات مبسوطی از شاهزاده خانم، همسر نخست سلطان، ارائه کرده و به جزئیات انتقال شاهزاده خانم ایرانی به مسقط نیز اشاره کرده است.

سال ورود شهرزاد به زنگبار

بر اساس مستندات موجود، شهرزاد چندسالی توأم با فراز و نشیب را در جزیره زیبای زنگبار سپری نموده است. معدود منابع موجود تاریخ‌های متناقضی را به عنوان سال ورود شهرزاد به زنگبار ذکر کرده‌اند و درواقع می‌توان گفت تاریخ ورود شهرزاد به جزیره زنگبار نیز همچون اصالت خانوادگی وی مورد مناقشه منابع غربی است. مارک هورتون، دیوید الس^۱ و سر ریچارد فرانسیس برتون سال ازدواج و ورود شهرزاد به زنگبار را ۱۸۴۹م. دانسته‌اند (Else, 1998: 152; Burton, 1872; Horton, 1994: 87) و راجر وبر^۲ و نویسندگان مقاله «اسکن لیزری حمام‌های شهرزاد: ۱۰۰۱ قصه از شب‌های زنگبار» ۱۸۴۷م. را سال ازدواج و ورود شهرزاد به زنگبار خوانده‌اند (Basell et al, 2020: 7-8; Webber, 2013: 262). در تابلوی معرفی حمام کیدیچی زنگبار (که توسط شهرزاد احداث شده است) نیز به استناد تاریخ حکاکی‌شده بر روی یکی از کتیبه‌های داخل حمام سال ورود شهرزاد به زنگبار ۱۸۴۷م. نوشته شده است (مطالعات میدانی نویسنده، زنگبار: ۲۰۲۲). با این حال استفن ویپ و بئاتریس نیکولینی در مسیری متفاوت تاریخ ورود شهرزاد به جزیره زنگبار را سال ۱۸۳۷م. برشمرده‌اند (Nicolini, 2004: 99; Wippe, 2013: 262) علی‌رغم تاریخ‌های متناقض ذکرشده در سطور بالا شواهد امر دربرگیرنده آن است که شهرزاد بین سال‌های ۱۸۴۷، ۱۸۴۸ یا ۱۸۴۹م. وارد جزیره زنگبار شده و چندسالی را در این جزیره سپری کرده است.

هدف سلطان از ازدواج با شهرزاد

آنچه مسلم است ازدواج سلطان سعید بن سلطان با همسر نخست ایرانی خود و همچنین ازدواج سلطان سعید در دوره سالخوردگی^۳ با شهرزاد که دختری زیبا و جوان بین سنین ۱۸ تا ۲۲ یا ۲۳ سالگی بوده، کاملاً سیاسی و در راستای اهداف توسعه‌طلبانه سلطان عمان و زنگبار در خلیج فارس به شمار می‌رفته است. درواقع با نگاهی به تنش‌های موجود در روابط بین ایران و سلطان‌نشین عمان در دوره قاجاریه که توأم با

1. David Else

۲. این اظهارات اشتباه است؛ زیرا محمد شاه قاجار چهار پسر داشته که نام هیچ‌یک از آن‌ها ایرج نبوده است.

3. Roger Webber

۴. در صورت قبول سال‌های ۱۸۴۷ یا ۱۸۴۸م. وی ۵۷ یا ۵۸ ساله بوده است.

درگیری‌هایی بین والیان فارس (به نیابت از دولت مرکزی ایران) و پادشاهان عمان در خلیج فارس و دریای عمان بوده است، می‌توان نتیجه گرفت که هدف سلطان از ازدواج‌های خود با شاهزادگان ایرانی جلب موافقت شاهان قاجار و والیان فارس بوده است که نظارت مستقیم بر سواحل خلیج فارس و دریای عمان داشته‌اند.^۱ درواقع سلطان که بخش قابل‌توجهی از منافع اقتصادی خود را از طریق حمل‌ونقل کالاهای تجاری مختلف بین سواحل اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس به دست می‌آورده، تلاش می‌کرده است که به جای درگیری‌های گاه‌وبیگاه با ایرانیان، مسیر صلح و دوستی را در پیش گرفته و از طریق ایجاد پیوند خونی با خاندان سلطنتی به این اختلافات به گونه‌ای مسالمت‌آمیز خاتمه دهد. علاوه بر آن، سلطان سعید که خود را اسماً خراج‌گزار ایران می‌دانست، به شدت اصرار داشت قرارداد اجاره عوارض گمرکات و منالات بندرعباس و جزایر تابعه را که با فرمان آقا محمد خان به سید سلطان، پدرش، واگذار شده بود کماکان حفظ کرده و وابستگی عمان به حکام محلی یا رقبای تجاری خود، همچون قواسم و شیوخ بنی معین و حتی شیوخ بحرین، بصره و بوشهر را کاهش دهد. به موازات آن، سلطان سعید تلاش می‌کرد از طریق حق نظارت بر گمرک بندرعباس و ایجاد ارتباط مستقیم با بخش‌های داخلی ایران، انتقال خشکبار، نمک، خرما و دیگر کالاهای صادراتی ایران به هند و شرق آفریقا را به دست گیرد که به نوبه خود می‌توانست منافع اقتصادی قابل‌توجهی به دنبال داشته باشد (قاسمیان، ۱۳۹۴: ۱۷؛ Wilson, 1927: 124-126). تمام این‌ها نیز مستلزم تحکیم هرچه بیشتر مناسبات پادشاهی عمان با شاهان قاجار بود و ایجاد پیوندهای خونی بخشی از این سیاست مودت سلطان سعید در قبال دولت ایران به شمار می‌رفت. جالب اینجاست که انتخاب همسرانی شیعه‌مذهب توسط سلطان سعید اباضی مذهب مورد خوشایند اطرافیان وی نبوده است، با این حال وی که اولویت خود را در بهبود مناسبات دیپلماتیک یا تجاری با ایران می‌دانسته، اهمیتی برای این امر قائل نبوده است!

شخصیت و خصوصیات اخلاقی

هرچند اطلاعات بسیار کمی در مورد خلق‌و‌خو و شخصیت شهرزاد وجود دارد، به نظر می‌رسد این بانوی ایرانی واجد خصوصیات هم‌چون آزاداندیشی، شجاعت، جسارت و قاطعیت بوده است که در بین زنان خاندان قاجار کمتر شاهد چنین ویژگی‌هایی هستیم. بهترین و منحصر به فردترین توصیفات در مورد شخصیت و خصوصیات اخلاقی شهرزاد در کتاب خاطرات سالمه، دختر سلطان سعید، ذکر شده است. بر

۱. ازدواج نخست سلطان سعید با دختر حسین علی میرزا فرمانفرما نیز بر همین پایه قرار داشته که فسائی در *فارس‌نامه* ناصری این موضوع را بررسی کرده است (فسائی، ۱۳۸۲: ۷۵۰).

اساس اظهارات سالمه، شهرزاد^۱ که از زیبایی خاصی برخوردار بوده، به زندگی تجملاتی، توأم با ولخرجی فراوان، علاقه زیادی داشته^۲ و لباس‌هایی زیبا به سبک ایرانی بر تن می‌کرده که از بالا تا پایین مرواریدهایی اصل در آن‌ها نصب بوده است. شهرزاد با خود ۱۵۰ اسب و سوارکار ایرانی به زنگبار آورده بوده و برخی روزها به اتفاق آن‌ها عازم اسب سواری و شکار می‌شده است. به گفته سالمه، شاهزاده خانم ایرانی در عین حال بسیار سخاوتمند و دارای مناعت طبع بوده، به گونه‌ای که مرواریدهایی که از لباسش جدا می‌شده را به خدمتکارانش می‌بخشیده است. شهرزاد نسبت به دیگر فرزندان سلطان نیز بسیار مهربان بوده^۳ و شیوه رفتار اجتماعی وی با دیگر زنان حرم‌سرای سلطان سعید و خاندان سلطنتی عمان تفاوت داشته است (Ruete, 2016: 46). به موازات آن، شهرزاد که بانویی جوان و پرهیجان بوده است، به حجاب به سبک آن زمان زنان عرب ساکن زنگبار اعتقادی نداشته و اعراب عمانی ساکن جزیره زنگبار را با عبور خود از بازار به همراه سوارکاران ایرانی همراه، لباس سوارکاری خویش و خنجر که همواره به همراه داشته شگفت‌زده می‌کرده است، به گونه‌ای که آنان از اینکه زانشان نظیر وی نبودند خداوند را شکر می‌کرده‌اند! «برتون»^۴ از نوکران خاص شهرزاد تحت عنوان فراشانی که وظیفه گستردن فرش به زیر پای شهرزاد را بر عهده داشته‌اند یاد کرده است (Burton, 1872: 302). محل اقامت شهرزاد در کاخ نسبتاً مجلل بیت امتونی قرار داشته است که این قصر با پلی معلق به کاخ بیت‌الساحل متصل بوده و زیر آن نیز حمامی به سبک حمام‌های ترکی قرار داشته است (Ruete, 2016: 46).

بر اساس مندرجات کتاب خاطرات سالمه، شهرزاد از روحیه مستقلی برخوردار بوده و ضمن ایستادگی در مقابل دستورات سلطان سعید از پوشیدن لباس زنانه عربی آن دوره و روبند خودداری ورزیده، برخلاف دیگر زنان سلطان سعید صورت خود را باز نگاه داشته و همچنان به پوشیدن البسه فاخر ایرانی - عمدتاً لباس‌های ابریشمی نگین‌دار گلدوزی‌شده و شلوارهای گشاد - ادامه می‌داده است^۵ (Ruete, 2016: 46). شهرزاد علاقه زیادی به اسب‌سواری داشته و با توجه با اینکه منطقه ساحلی شانگانی (محل سکونت شاهزاده خانم) در آن عهد فاقد جاده‌های مناسبی بوده و خیابان‌ها نیز خاکی بوده‌اند، گشت‌وگذار با اسب را به پیاده‌روی ترجیح می‌داده است (Basell et al, 2020: 6).

۱. خانم سالمه ضمن اشاره به مهربانی ملکه ایرانی زنگبار، از شهرزاد با نام «شواد» (Schevade) یاد کرده است (Ruete, 2017: 46).

۲. به گفته سالمه، شهرزاد با ولخرجی‌های خود خزانه سلطان سعید را خالی می‌کرده است! (همان‌جا).

۳. سالمه در توصیف مهربانی شهرزاد عیناً از این عبارت استفاده کرده است: «اما عاشقانه فرزندان ناتنی خود را دوست داشته است» (همان‌جا).

4. Burton

۵. ظاهراً روحیه ایستادگی و مقاومت‌جویانه شهرزاد در مقابل درخواست‌های سلطان سعید عامل طلاق و جدایی و درنهایت بازگشت وی به ایران بوده است.

درمجموع و بر اساس اطلاعات اندک موجود به نظر می‌رسد شهرزاد بانویی منطقی، خلاق، باهوش و تحصیلکرده بوده که در مقابل محدودیت‌های تفسیری جامعهٔ مردسالارانهٔ آن روزگار مقاومت نموده و اعتقادی به تفکیک جنسیتی نداشته است. علاوه بر آن، به نظر می‌رسد سفرهای دریایی و گشت‌وگذار در جزیرهٔ زنگبار و آشنایی با آداب‌ورسوم بومیان این جزیرهٔ زیبا وی را به بانویی قدرتمند تبدیل کرده بوده که از رویارویی با مشکلات بیمی به خود راه نمی‌داده است.

ساخت حمام کیدیچی

یکی از مهم‌ترین اقدامات ماندگار شهرزاد در مدت اقامت در زنگبار، ترغیب سلطان سعید به ساخت دو حمام به سبک حمام‌های ایرانی، موسوم به حمام‌های کیدیچی و کیزیمبانی، در زنگبار است. مهم‌ترین این حمام‌ها، حمام کیدیچی است که در منطقه‌ای موسوم به کیدیچی قرار دارد و در حال حاضر یکی از آثار تاریخی مهم جمهوری خودمختار زنگبار محسوب می‌شود.^۱ بر اساس مستندات موجود حمام ایرانی کیدیچی به دستور سلطان سعید بن سلطان و برای جلب رضایت‌خاطر شهرزاد احداث شده است. نیکولینی و مارک هورتون شهرزاد را ایده‌پرداز ساخت حمام کیدیچی دانسته و تأکید کرده‌اند که حمام به وسیلهٔ معمارانی که بدین‌منظور از ایران آورده شدند احداث گردیده و شاهزاده خانم ایرانی بر کار معمار حمام نظارت دقیق و حساسیت هنرمندانه‌ای داشته است (Horton, 1994: 87; Nicolini, 2004: 99). راجر وبر نیز یادآور شده است که حمام کیدیچی توسط سلطان سعید و پس از ازدواج با شهرزاد و برای رضایت‌خاطر همسر زیبای خود در جزیرهٔ زنگبار احداث شده است (Webber, 2013: 262). در تابلویی که در مقابل حمام اصلی کیدیچی نصب شده نیز به دو زبان انگلیسی و سواحیلی توضیح داده شده است که این بنا به دستور سلطان سید بن سعید و برای همسر ایرانی خود، شهرزاد، که نوهٔ دختری فتحعلی شاه بوده احداث شده است (مطالعات میدانی نویسنده، زنگبار: ۲۰۲۲؛ عرب احمدی، ۱۳۹۷: ۳۷).

در ارتباط با دلیل ساخت حمام ایرانی کیدیچی گفته شده است سلطان سعید به منطقهٔ کیدیچی که حدود ۱۲۰ متر از سطح دریا ارتفاع داشته و مرتفع‌ترین نقطه در جزیرهٔ اصلی زنگبار محسوب می‌شده (Hodd, 1994: 346)، علاقه‌مند بوده و به اتفاق شهرزاد برای مشاهدهٔ چشم‌انداز زیبای منطقه و منظرهٔ غروب خورشید به‌طور مرتب به کیدیچی سفر می‌کرده است. درنهایت نیز با خواهش زن ایرانی‌اش تصمیم به ساخت حمامی به سبک ایرانی می‌گیرد (محمدعبدالله، زنگبار: ۱۳۹۳). علاوه بر آن، به نظر می‌رسد سلطان سعید و شهرزاد معمولاً برای اسب سواری، شکار یا نظارت بر کار کارگران مزارع میخک

۱. کیدیچی منطقه‌ای دربرگیرندهٔ کشتزارهای زیبا و سرسبز میخک در فاصلهٔ سه کیلومتری از جنگل زیبای «بوبوبو» در شمال شرق جزیرهٔ اصلی مجمع‌الجزایر زنگبار (جزیره اونگوگا) و در منطقهٔ دوری از شهر زنگبار قرار دارد (McIntyre & McIntyre, 2022: 325).

به کیدیچی سفر می کرده‌اند (Fitzpatrick & Butler, 2015: 72) و این حمام برای رفع خستگی آن‌ها در سفر از زنگبار به کیدیچی و زدودن گرد و خاکی که بر آن‌ها می‌نشسته بسیار مؤثر بوده است (McIntyre & McIntyre, 2022: 211). آنچه مسلم است شهرزاد با علاقه زیاد بر ساخت این بنا نظارت داشته و معمار آن، استاد غلامحسین، و بخشی از مواد و مصالح ساختمانی این حمام نیز از ایران به زنگبار منتقل شده است (عبدالشریف، زنگبار: ۱۳۹۳). الگوی معماری حمام کیدیچی، همچون حمام‌های ایرانی دوره قاجاریه، شامل چند بخش است: ورودی حمام راهرویی مستطیل شکل است که چند پله پایین‌تر از سطح زمین قرار دارد و از طریق پیچی کوتاه به سربینه یا سالن کوچکی که محل تعویض البسه بوده ختم می‌گردد، این سربینه از طریق دالانی بسیار کوتاه به سالن اصلی حمام متصل می‌شود و راهروی کوتاه دیگری سالن اصلی را به گرمخانه حمام که دربرگیرنده دو حوضچه آب سرد و گرم بوده وصل می‌کند (عرب احمدی، ۱۴۰۱: ۱۲۹). سربینه حمام سالن کوچکی است و ظاهراً سلطان سعید، شهرزاد و دیگر اعضای خانواده سلطنتی در ابتدای ورود به حمام برای تعویض لباس‌ها و بیرون آوردن کفش‌ها و احیاناً رفع خستگی و استراحتی کوتاه بر شاه‌نشین‌هایی می‌نشسته‌اند که به همین منظور در دو طرف سربینه ساخته شده بوده و علاوه بر مشتم‌ومال که توسط دلاکانی مخصوص صورت می‌گرفته است و صرف نوشیدنی خنک، موها و ناخن‌های خود را کوتاه می‌کرده‌اند^۱ (مطالعات میدانی نویسنده، زنگبار: ۲۰۲۲). در این سالن تزئینات و طراحی‌هایی شامل نقش‌ونگارهای مختلف از پرندگان، گیاهان و برخی حیوانات و شاخه‌های درخت‌های نخل و خرما به چشم می‌خورند که به شیوه‌ای بسیار زیبا و هنرمندانه بر روی سرتاسر دیوارها حکاکی شده و سبک معماری ایرانی را به‌خوبی نمایان می‌کند (Finke, 2002: 138). این تزئینات و نقوش که در برخی منابع از جمله در کتاب فرهنگ‌نامه معماری/اسلامی تحسین‌برانگیز توصیف شده‌اند (Petersen, 2001: 317)، عمدتاً ترکیبی از حیوانات و پرنده‌های بومی منطقه شرق آفریقا است و به نظر می‌رسد شهرزاد از این طریق درصدد بوده ترکیبی از تزئینات ایرانی و خصوصیات اقلیمی این منطقه را به نمایش گذارد.^۲ این در حالی است که وجود این تزئینات در زنگبار در دوره حاکمیت اعراب عمانی متعصب

۱. از نظر سبک معماری حمام کیدیچی درمجموع حمام کوچکی است و با توجه به اینکه صرفاً مورد استفاده خانواده سلطنتی قرار می‌گرفته، حمامی کاملاً خصوصی محسوب می‌شده و کاملاً شبیه گرمابه‌های دوره قاجاریه است. در داخل این حمام همچون گرمابه‌های ایرانی سربینه، بینه (سالن اصلی شست‌وشو)، اتاق نظافت، حوضچه‌های آب گرم و سرد، سرویس بهداشتی، شاه‌نشین‌ها و تنبوشه‌های مختلفی وجود دارد. تزئینات داخلی بنا نیز کاملاً به سبک ایرانی است. مصالح ساختمانی حمام کیدیچی نظیر حمام‌های دوره قاجاریه عمدتاً سنگ مرمر، آجر، سنگ لاشه، تنبوشه، ملاط مستحکم گچ، آهک و ساروج بوده است که با دقت توأم با ظرافت و استحکام در سقف، دیوارها و کف بنا به کار رفته‌اند (عرب احمدی، ۱۳۹۷: ۳۸).

۲. با این حال، برخلاف حمام‌های ایرانی در این حمام اثری از دیو، جن، فرشته و دیگر موجودات ماورایی که با فرهنگ ایرانی در آن دوره درآمیخته بوده‌اند به چشم نمی‌خورد (کریمیان، ۱۳۹۳: ۲).

که از مذهب «اباضیه» پیروی می‌کرده و به شدت مخالف این‌گونه طراحی‌ها بر روی ابنیه‌ها و عمارات بوده‌اند، قابل تأمل است و نفوذ شاهزاده خانم ایرانی بر همسر عمانی‌اش را جلوه گر می‌سازد! درواقع آنچه مسلم است استاد غلامحسین معمار بر اثر تأکید شهرزاد نقش‌ونگارهای زیبایی از گل، حیوانات و پرندگان را بر دیوارهای داخلی حمام ترسیم نموده و سلطان سعید نیز برای جلب رضایت‌خاطر همسر زیبایی خود از مخالفت با این‌گونه تزئینات داخلی خودداری نموده است (مطالعات میدانی نویسنده، زنگبار: ۲۰۲۲). جالب اینجاست که در هیچ‌یک از کاخ‌های اعراب عمانی زنگبار نیز این‌گونه تزئینات رایج نبوده و کلیه بناها و عمارات عمانی شرق آفریقا فاقد هرگونه نقش و نگار و تزئینات می‌باشند، از این‌روی حمام کیدیچی را می‌توان از نظر تزئینات داخلی در بین آثار تاریخی زنگبار منحصربه‌فرد در نظر گرفت (عرب احمدی، ۱۴۰۱: ۱۳۰).

یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد حمام کیدیچی کتیبه‌ای است که به دستور شهرزاد در بالای سر در ورودی سالن اصلی حمام کنده‌کاری شده و شعری از یکی از شعرای ایرانی به زبان فارسی به شرح ذیل بر آن نگاشته شده است که البته در اثر گذشت زمان و مرمت ناشیانه این کتیبه به‌سختی قابل خواندن است:

خوشست باده گلرنگ با کباب شکاری ز دست ساقی گل‌چهره در کنار بحاری^۱
(مطالعات میدانی نویسنده، زنگبار: ۲۰۲۲)

مشخص نیست شاعر این شعر چه کسی است، ولی به‌طور قطع‌ویقین این شعر به انتخاب شهرزاد بر سر سالن اصلی حمام کار گذاشته شده و به‌نوعی وصف حال این شاهزاده خانم ایرانی عاشق‌گردش در طبیعت زنگبار، اسب سواری و شکار بوده است!

چالش‌ها و مشکلات شهرزاد

آنچه مشخص است شهرزاد در سال‌های اقامت خود در زنگبار با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. ساله در کتاب خود به‌طور نسبتاً مبهم به برخی از این مشکلات اشاره کرده که عمدتاً ناشی از حسادت اطرافیان و دیگر زنان سلطان، من جمله «عزی بنت سیف» بوده است. رفتار خارج از استانداردهای آن عهد شهرزاد، نظیر به کار نبردن برقع، پوشیدن لباس‌های عربی و پافشاری در بر تن کردن لباس‌های فاخر ایرانی، سوارکاری به اتفاق همراهان ایرانی خود و مشارکت با آن‌ها در شکار؛ بی‌اعتنائی به زنان دربار

۱. بحاری یا بخاری محل مناقشه است و البته هردو نیز به‌نوعی در این مصرع مصداق دارند.

۲. با وجود تلاش فراوان نویسنده و مشورت با دکتر تمیم داری، استاد برجسته ادبیات فارسی، نام شاعر این بیت شعر مشخص نشد.

سلطان سعید و کناره‌گیری از آن‌ها و... همواره موجب بروز تنش‌هایی بین این شاهزاده خانم ایرانی و دربار سلطان می‌شده است. علاوه بر آن، زیبایی شهرزاد که سالمه از آن با عنوان «زنی با زیبایی فوق‌العاده» یاد کرده (Ruete, 2016: 46) و وی را از این نظر از دیگر زنان رسمی و غیررسمی سلطان متمایز می‌ساخته^۱ نیز همواره مورد حسادت حرم‌سرای سلطان بوده است. به موازات آن، توجه خاص سلطان سعید به شهرزاد، توأم با گردش‌هایی که به اطراف جزیره زیبای زنگبار انجام می‌داده‌اند از دیگر عوامل رشک و حسد اطرافیان، به‌ویژه زنان و خواهران سلطان به این شاهزاده جوان و زیبای ایرانی بوده است. این حسادت‌ها کار را به جایی رسانید که حتی شایعه‌ای بدخواهانه و مخرب، مبنی بر ارتباط مخفیانه شهرزاد با هلال، پسر بزرگ سلطان، نیز در حرم‌سرا و دربار پخش شد (Basell et al, 2020: 6-7) که البته به هیچ عنوان صحت نداشته و ظاهراً توطئه خواهر سلطان (سیده عایشه بن سلطان) برای مهیا کردن زمینه مساعد جهت سلطنت فرزندش، پس از فوت سلطان سعید بوده است. سالمه نیز به‌طور مستقیم خاطرنشان ساخته که شهرزاد علاقه‌ای به سلطان سعید نداشته و دل در گرو مهر فرد دیگری داشته است (Ruete, 2016: 46).

فرجام زندگی سلطان و شهرزاد

نظیر ازدواج نخست سلطان سعید با دختر عبدالحسین میرزا فرمانفرما که به شکست و جدایی منجر شد؛ زندگی مشترک سلطان با شهرزاد نیز چندان به درازا نینجامید و در پی تیره‌شدن مناسبات این زوج که البته اطرافیان نیز به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در آن نقش داشتند و سالمه به برخی از آن‌ها به‌صورت مبهم اشاره کرده است^۲، سرانجام زندگی سلطان و شهرزاد پس از چند سال با بن بست مواجه می‌شود. درواقع می‌توان گفت شدت گرفتن اقدامات خصمانه اطرافیان و روحیه مستقل و قدرتمند شهرزاد، به‌تدریج موجب دل‌سردشدن سلطان سعید از زن زیبای ایرانی خود و بی‌اعتنایی به وی شد، به‌گونه‌ای که درنهایت سلطان با شهرزاد دچار اختلافات جدی شد. پس از تیرگی شدید روابط، سلطان سعید شهرزاد را طلاق داد و البته با توجه به شخصیت خاص شهرزاد، احتمالاً خود وی درخواست طلاق نموده و با پافشاری بر این امر به ایران بازمی‌گردد. اطلاعات چندانی از زندگی شهرزاد پس از بازگشت به ایران در دست نیست، ولی به نظر می‌رسد وی در اوایل دوره سلطنت ناصرالدین که مناسبات ایران و پادشاهی عمان دستخوش مخاطراتی جدی شد، به یکی از عناصر تحریک‌کننده شاه ایران در حمله به عمان مبدل گشت و از آنجا که از بی‌وفایی

۱. سلطان سعید دارای سه زن عقدی (عزی بنت سیف و دو زن ایرانی) و ۷۲ کنیز بوده است و نظیر شاهان قاجار، حرم‌سرای وی بازار حسادت و گاه توطئه‌های این زنان بوده است.

۲. در یک مورد که بوی حسادت زنانه از آن به مشام می‌رسد، سالمه حتی به‌صورت مبهم و بدون ذکر جزئیات شهرزاد را به توطئه قتل سلطان سعید متهم می‌سازد که توسط کنیزی سودانی خنثی می‌شود! (Ruete, 2016: 47).

شوهر سابقش بسیار خشمگین بود، نقش مهمی در سازماندهی حملات ارتش ایران به عمان ایفا نمود (عرب احمدی، ۱۳۸۴: ۴۷۶). سالمه نیز در خاطرات خود به شایعاتی اشاره کرده است حاکی از آن که سلطان سعید در سال ۱۸۵۴ م. پس از تصرف قلعه بندرعباس، شهرزاد را مشاهده کرده که فرماندهی نیروهای ایرانی را بر عهده داشته و اعضای خانواده سلطنتی را هدف قرار می‌داده است!^۱ (Basell et al, 2020: 7-8; Ruete, 2011: 47).

۱. منظور سالمه تمديد اجاره بیست‌ساله بندرعباس توسط سلطان سعید بن سلطان در سال ۱۸۵۴ م. بوده است (سایکس، ۱۳۶۳: ۵۰۸) که اشتباهاً از آن به عنوان تصرف بندرعباس یاد کرده است!

نتیجه‌گیری

تاریخ ایران دربرگیرنده زنان و مردانی است که هریک به نوبه خود و با فراهم آمدن امکانات در زمینه معرفی جلوه‌هایی از تمدن و فرهنگ ایرانی نقش‌آفرین بوده‌اند. شهرزاد، شاهزاده ایرانی، که چندسالی در دربار سلطان سعید بن سلطان، پادشاه قدرتمند سلسله بوسعیدی در زنگبار، زندگی کرد را نیز می‌توان در زمره این‌گونه میهن‌دوستان در نظر گرفت. در این مقاله که از نظر دست‌مایه قرار دادن یکی از شخصیت‌های کاملاً ناشناخته ایرانی در دوره قاجاریه در نوع خود منحصر به فرد به شمار می‌رود، تلاش شده است علاوه بر واکاوی برخی از زوایای پنهان زندگی این بانوی ایرانی، تأثیرگذاری وی در به نمایش گذاشتن شاخصه‌هایی از فرهنگ ایرانی مورد کنشگری قرار گیرد. بدیهی است ساخت حمامی ایرانی، توأم با نقش‌ونگارهایی زیبا و قطعه شعری به زبان فارسی در داخل آن، در جزیره‌ای بسیار دور از ایران را می‌توان ابتکاری ارزشمند، توأم با تدبیر، از همسر ایرانی سلطان سعید در نظر گرفت که از این طریق درصدد به تصویر کشیدن بخشی از هنر باشکوه معماری ایرانی، توأم با نمادهایی از فرهنگ و ادبیات فارسی، بوده است. نویسنده در طول نگارش مقاله سعی وافری به خرج داده است تا ضمن گشودن روزنه‌ای، هرچند باریک، در عرصه روابط خارجی ایران (در اواخر دوره محمد شاه و نخستین سال‌های سلطنت ناصرالدین شاه قاجار) به پرسش اصلی مقاله که «آیا می‌توان این شاهزاده خانم ایرانی را در گسترش فرهنگ ایرانی در این جزیره تاریخی تأثیرگذار دانست؟» بر مبنای اطلاعات ارائه‌شده به گونه‌ای مناسب پاسخ دهد.

امید است موضوع این مقاله موجبات تشویق پژوهشگران ایرانی برای ورود به عرصه واکاوی شخصیت‌های ایرانی را که در مدت زندگی در فراسوی این سرزمین در معرفی بخش‌هایی از فرهنگ، هنر و تمدن ایران زمین تأثیرگذار بوده‌اند، فراهم آورد.

منابع

- سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳). *تاریخ ایران*، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سیدالسلطنه، محمدعلی (۱۳۷۰). *تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر و روابط آنها با ایران*. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- عرب احمدی، امیربهرام (۱۳۸۴). *تانزانیا سرزمین همیشه سبز*. تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
- عرب احمدی، امیربهرام (۱۳۷۹). آثار تاریخی ایران در تانزانیا. *مطالعات روابط فرهنگی بین الملل*، ۴ (۹)، ۱۵-۴۴.
- فسایی، حسن (۱۳۸۲). *فارسنامه ناصری*. ج ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قاسمیان، سلمان و قریشی، سید حسن (۱۳۹۴). جایگاه اجاره بندر عباس در روابط امام مسقط و حکومت مرکزی ایران در اوائل دوره قاجار. *تاریخ روابط خارجی ایران* (۶۲)، ۱-۲۸.
- گفت‌وگوی نویسنده با پروفسور عبدالشریف، زنگبار: ۱۴۰۱.
- گفت‌وگوی نویسنده با دکتر حسن کریمیان، تهران: ۱۳۹۳.
- گفت‌وگوی نویسنده با محمد عبدالله، زنگبار: ۱۳۹۳.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۳). ایرانیان در خلیج فارس. *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ۷۹ (۸۰-۸۱)، ۴-۹.
- مطالعات میدانی نویسنده، زنگبار: ۲۰۲۴.

- Basell, L., Ali, A.K., Egberts, E., Firoozi-Nejad, B., Mellor, N., & Horton, M. (2020). Laser Scanning Shihrazad's Baths: 1001 Tales Of Zanzibar Night. *The Antiquaries Journal*, 100, 340-373. doi:10. 1017/S0003581520000013.
- Bhacker, M.R. (2002). *Trade and Empire in Muscat and Zanzibar The Roots of British Domination*. Taylor & Francis, London: Routledge.
- Burton, R.F. (1872). *Zanzibar City Island and Coast, Volume 1*. London: Tinsley brothers.
- Else, D. (1998). *Guide to Zanzibar*. Chalfont St Peter: Bradt Publications.
- Farsy, A.S. (1986). *Seyyid Said Bin Sultan Joint Ruler of Oman and Zanzibar (1804-1856)*. Nairobi: Lancers Books
- Finke, J. (2002). *The Rough Guide to Zanzibar*. London: Rough Guides Limited.
- Fitzpatrick, M., Burtlett, R. & Else, D. (2015). *Lonely Planet Tanzania (Travel Guide)*. Melbourne: Lonely Planet Publication.
- Hodd, M. (1994). *East Africa Handbook (Trade & Travel Handbooks)*. Bath: Footprint Handbooks.
- Horton, M. (1994). *East Africa*, New York: Colombia University. available (1403/10/18) online at: <http://www.iranicaonline.org>.
- <http://www.citypopulation.de>: Leipzig, available (1403/10/18) online at: <http://www.citypopulation.de/en/tanzania/cities>.
- Ingrams, W.H. (1967). *Zanzibar: Its History and its People*. London: Routledge.

- McIntyre, Ch. & McIntyre, S. (2022). *Zanzibar: Pemba, Mafia*. Chalfont St Peter: Bradt Travel Guide.
- National Museum of Zanzibar (2014). Zanzibar: Archive Department.
- Nicolini, B. (2004). *Makran, Oman, and Zanzibar Three-terminal Cultural Corridor in the Western Indian Ocean (1799-1856)*. Leiden: Brill.
- Petersen, A. (2001). *Dictionary of Islamic Architecture*. London: Routledge.
- Romero, P. (2012). Seyyid Said bin Sultan BuSaid of Oman and Zanzibar: Women. In the Life of this Arab Patriarch. Abingdo: *British Journal of Middle Eastern Studies*, 373-92.
- Ruete, E. (2016). *Memoirs of an Arabian Princess An Autobiography*. London: Create Space Independent Publishing Platform.
- Tanzania Tourist Corporation (2016). *A Travel Guide To Historical Monuments of Zanzibar*. Dar Es Salaam: Tanzania Tourist Corporation.
- Webber, R. (2013). *Return to Zanzibar*. Leicester: Troubador Publishing.
- Wilson, A. (1927). *The Persian Gulf* (RLE Iran A). London: Routledge.
- Wippe, S. (2013). *Regionalizing Oman: Political, Economic and Social Dynamics*. Dordrecht: Springer

Transliteration

- Arab Ahmadi, A. (2000). Iranian Historical Monuments in Tanzania. *International Cultural Studies Journal of Cultural Studies*, 4(9), 15–44.
- Arab Ahmadi, A. (2005). *Tanzania: the Evergreen Land*. Tehran: Al-Hodā International Publications.
- Author's field studies, Zanzibar: 2024.
- Fasā'ī, Ḥ. (2003). *Fārsnāme-ye Nāšerī*, Vol. 2. Tehran: Amīr Kabīr Publications.
- Interview with Dr. Hasan Karimian, Tehran: 2014.
- Interview with Mohammad Abdollah, Zanzibar: 2014.
- Interview with Professor Abd al-Sharif, Zanzibar: 2022.
- Mujtahid-Zāde, P. (1994). Īrānīyān dar Khalīj-e Fārs [Iranians in the Persian Gulf]. *Eṭṭelā'āt-e Siyāsī va Eqtešādī*, 79–80, 4–9.
- Qasemiyan, S., & Ghoreyshi, S. H. (2015). The Lease of Bandar Abbas : Implications for Mutual Relations between Imam of Muscat and the Central Government of Iran in the Early Qajar Period. *History of Foreign Relations*, 62, 1–28.
- Sadīd al-Saltāneh, M. A. (1991). *History of Muscat, Oman, Bahrain, and Qatar and their relations with Iran*. Tehran: Donyā-ye Ketāb.
- Sykes, P. (1984). *A History of Persia* (M. T. Fakhri-Daei Gilani, Trans.). Tehran: Amīr Kabīr Publications. (Original work published 1930).